



دکتر مهدی بهمنی

دکتری مطالعات آمریکا از دانشگاه UCD
پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست جمهوری
و همکار در اندیشکده مطالعات آمریکا

ایده‌ها

هالیوود و جریان ضد رؤیای آمریکایی

برای روایتگری مرگ رؤیای آمریکا، می‌توان به سینما امید داشت!

افول از کجا آغاز شد؟

بحث پیرامون افول آمریکا، از آن دسته موضوعاتی است که طرفداران و مخالفان سرسخت خود را دارد. شایان ذکر است که اگرچه تنور این بحث در ایران (به خصوص در سال‌های اخیر)، گرم شده اما اساساً این اندیشمندان آمریکایی بوده‌اند که از دهه‌ها قبل، اجاق آن را روشن کرده و بسطش داده‌اند. شروع مباحث مربوط به افول آمریکا را می‌توان به ورود ایالات متحده در جنگ جهانی اول ارجاع داد؛ زمانی که رهبران این کشور با اعزام نیروی نظامی به اروپا و در راستای حمایت از برخی قدرت‌های متحد، عملاً پایان حاکمیت نزدیک به یک قرن دکتورین مونروئه بر سیاست خارجی کشورشان را علنی کردند. مخالفان این تغییر راهبردی، این کار را پایانی بر آنچه با عنوان ارزش‌های آمریکایی^۲ شناخته می‌شد، تلقی

در دو شماره گذشته این ماهنامه، در یادداشتی با عنوان «تبعیض‌های اجتماعی در سرزمین فرصت‌ها»، به مسئله بی‌عدالتی و چالش‌های اجتماعی در آمریکا پرداختیم و اینکه چگونه با وجود معضلات گسترده در سطوح مختلف، دستگاه تبلیغاتی آمریکا تلاش می‌کند تا تصویری جذاب از این کشور در ذهن افکار عمومی جهان، ساخته و پرداخته شود. در آنجا تلاش شد تا غیرواقعی بودن این تصویرسازی‌ها با استناد به گزارش‌های معتبر بین‌المللی و همچنین، بر پایه آمارهای مؤسسات آمریکایی تبیین شوند. واقعیتی که استراتژیست‌های بی‌نامی همچون جوزف نای را نیز بر این داشته است تا نسبت به بحران افول آمریکا، به رهبران این کشور هشدار بدهند.^۱

نموده و این تغییر را آغازی بر افول آمریکایی می‌دانستند که تا آن زمان، به عنوان حامی استقلال کشورها، حقوق انسان‌ها و جوامع ستمدیده شناخته می‌شد.

طرفداران این طرز تلقی، به افول‌گرایان^۳ مشهور شدند. باید تأکید شود که منظور نگارنده در این صفحات از «افول»، کاملاً با مفهوم «فروپاشی» متفاوت است. به طور خلاصه عمده‌ترین تفاوت آن‌ها در این است که اولاً فروپاشی امری دفعی است که در یک دوره زمانی کوتاه رخ می‌دهد اما افول، امری تدریجی و به اصطلاح زمان‌بر است. ثانیاً اینکه فروپاشی، غالباً پدیده‌ای بازگشت‌ناپذیر به شمار می‌آید و احتمال ترمیم برای آن نمی‌توان متصور شد؛ حال آنکه در فرایند افول، امکان عقلایی برای ترمیم و بازگشت به حالت مطلوب، همواره وجود دارد.

3. Declinists

2. American Values

1. Josef S. Nye, "The Future of Soft Power in US Foreign Policy", in: Soft Power And US Foreign Policy: Theoretical, Historical And Contemporary Perspectives, ed. by: Inderjeet Parmar and Michael Cox, (New York: Routledge, 2010), p 4.



بحران‌های هویتی و رؤیای آمریکایی

به اعتقاد نگارنده، مفهوم استثناء‌گرایی آمریکایی پیوندی ناگسستنی با مفهوم کلیدی رؤیایی آمریکایی^۱ دارد. این رؤیا، مجموعه‌ای از ایده‌ها بوده که از کارکردی مانیفست مانند، برای هویت بخشی به ملت آمریکا برخوردار است. این ایده یا مفهوم ابتدا توسط جیمز آدامز (۱۹۳۱) و

انجام می‌گیرد. به طور خلاصه، آن‌ها از همان ابتدا تا امروز همیشه ادعا کرده‌اند که این مداخلات، با انگیزه‌های خیرخواهانه‌ای از جنس همان ارزش‌های سابق یا به اصطلاح، ارزش‌های آمریکایی صورت می‌گیرند، نه بر مدار زور و عدم رضایت. به همین دلیل، گروه دوم به طرفداران مکتب استثناء‌گرایی^۱ شهرت پیدا کردند.

ظهور افول‌گرایان موجب شکل‌گیری جبهه مخالفی شد که ادعای اصلی آن‌ها بر این باور استوار بود که ایالات متحده آمریکا، هرگز افول نخواهد کرد، زیرا یک استثناء است و با ابرقدرت‌های قبلی تفاوت دارد؛ این تفاوت نیز به روند شکل‌گیری و ظهور این قدرت بین‌المللی مربوط می‌شود و از حیث نوع مداخلاتی است که توسط این کشور در نظام بین‌الملل

2. American Dream

1. Exceptionalism

در پاسخ به بحران هویتی دهه‌های بعد از جنگ جهانی اول به کار رفت اما به سرعت جای خود را در گفتمان سازی‌های رسانه‌ای و سخنرانی‌های رهبران سیاسی باز کرد تا جایی که به رکنی مهم در تعریف هویت آمریکایی^۱ و تصویرسازی از ایالات متحده تبدیل شد. اصلی‌ترین اجزایی که رؤیای آمریکایی براساس آن‌ها تبیین و ترویج می‌شود، عبارت‌اند از: دموکراسی خواهی، آزادی طلبی، عدم تبعیض و رفاه اقتصادی. شاید خلاصه‌ترین تعریف از این رؤیا را بتوان این جمله آدامز در کتاب حماسه آمریکا^۲ دانست که می‌گوید: «زندگی باید برای همه بهتر، غنی‌تر و کامل‌تر باشد که راه آن فراهم کردن فرصت‌های برابر است تا همگان در سایه توانمندی و تلاش به آن برسند، فارغ از اینکه از کجا آمده و متعلق به چه طبقه‌ای هستند»^۳.

در بازگشت به اصل بحث، باید تأکید کرد که افول‌گرایان باور دارند، سرزمینی که ادعا می‌شود بر پایه «رؤیای آمریکایی» ساخته شده است و عناوین پرسروصدای زیادی همچون ملت مهاجران^۴ و سرزمین

فرصت‌ها^۵ را به یدک می‌کشد و تلاش دارد، منبعی الهام‌بخش برای دیگران باشد، در مقام واقعیت، فاصله زیادی میان آن با وضعیت رؤیایی موردنظر به وجود آمده است. در این میان، مشکل بزرگ آن است که فاصله ذکرشده هرروز در حال بیشتر شدن نیز است. نوام چامسکی در یادداشتی این وضعیت را به حالتی تشبیه می‌کند که اتفاقات بزرگی در حال وقوع هستند اما تمایل رهبران و هدایت‌کنندگان افکار عمومی در جهتی است که می‌خواهند مردم از عمق فاجعه آگاه نشوند و به همین دلیل، از شگردهای مختلف برای تحقق این هدف بهره می‌برند.^۶

از این منظر، در کنار رشد مراکز افکار سنجی و مؤسسات مطالعاتی مرتبط با هدایت افکار عمومی همچون گالوپ و پیو، یکی دیگر از کارآمدترین ابزارها را باید استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری دانست که مأموریت اصلی‌شان، ساختن تصویری جذاب از آمریکا و آمریکایی‌ها است. در میان طیف گسترده این رسانه‌ها، صنعت سینما و تلویزیون آمریکا قرار دارد که در افواه عمومی، بیشتر به هالیوود

معروف شده است. رسانه‌ای که از جایگاه ویژه‌ای در سطح داخلی و بین‌المللی برخوردار است و از همان ابتدای شکل‌گیری در سال ۱۹۰۸ تا به امروز، تلاش پیوسته‌ای برای عمل به مأموریت تعریف شده داشته است. بخش مهمی از این مأموریت، با حمایت‌های مالی دولت فدرال محقق شده و در کنار آن، نقش لابی‌های ذی‌نفوذ غیرقابل انکار است.^۷ شاید این ادعای گزافی نباشد که اگر هالیوود شکل نمی‌گرفت و مورد حمایت واقع نمی‌شد، روند افول رؤیای آمریکایی بسیار زودتر از چیزی که امروز شاهد آن هستیم، اوج می‌گرفت؛ اما این، همه ماجرا نیست و با وجود نقش مهمی که هالیوود در ترویج رؤیایی آمریکایی داشته است، یک جریان مخالف نیز شکل گرفته که موضعی انتقادی نسبت به جامعه آمریکا و عملکرد هالیوود دارد.

از میانه‌های دهه ۱۹۶۰ و به موازات شکل‌گیری پدیده‌ای که در ادبیات علمی و ژورنالیستی، از آن به سینمای منتقد^۸ و سینمای مستقل یاد می‌شود، جریانی پا به عرصه وجود گذاشت که ضمن انتقاد از تبعیض‌های اجتماعی گسترده در

5. Land of opportunities

6. Noam Chomsky, «Losing the world: American decline in perspective», the Guardian Comment Network, 14 Feb 2012; see: <https://www.theguardian.com/commentisfree/cifamerica/2012/feb/14/losing-the-world-american-decline-noam-chomsky> (آخرین بازدید 02 اردیبهشت 1399)

7. Georg Löffmann, 'Hollywood, the Pentagon, and the cinematic production of national security', Critical Studies on Security, Volume 1, 2013 - Issue 3, pp 280-294.

8. Scott MacDonald, A Critical Cinema 5: Interviews with Independent Filmmakers, (University of California Press: 2006).

1. American identity

2. Epic of America

3. رجوع شود به: <https://www.investopedia.com/terms/a/american-dream.asp> (آخرین بازدید 01 اردیبهشت 1399)

4. Nation of Immigrants

ایالات متحده، موضعی افشاگرانه نسبت به واقعیات نقض‌کننده رؤیای آمریکایی اتخاذ کرده است. به تعبیر رامین بحرانی (کارگردان ایرانی - آمریکایی)، فیلم‌سازی که خودشان را در این اردوگاه تعریف می‌کنند، عمدتاً به تولید کارهایی مشغول‌اند که از «کلیشه‌های گیج‌کننده هالیوودی، فاصله قابل توجهی دارند». ^۱ افراد مطرحی چون مایکل مور، تاد سولوندز، جوئل شوماخرو دارن آرونوفسکی، از شاخص‌ترین منتقدان این عرصه به شمار می‌آیند که در کارهایشان، تلاش کرده‌اند تا تصویری خارج از چارچوب‌های مرسوم در سینمای آمریکا، از جامعه آمریکایی ترسیم کنند.

فهرست خطرناک

سال ۲۰۱۱، مؤسسه آی‌ام‌دی بی^۲ که یکی از برترین‌های حوزه فیلم و سرگرمی در جهان است و رسماً در اردوگاه هالیوودی‌ها دسته‌بندی می‌شود - با انتشار یادداشتی در صفحه رسمی خود، از جریانی سخن به میان آورد که به تعبیر نویسنده «ضد رؤیای آمریکایی» است.^۳ این

1. Sherry B. Ortner, "Against Hollywood: American independent film as a critical cultural movement", HAU: Journal of Ethnographic Theory, Vol. 2 (2), 2012; p 5.
2. IMDb; see: [https://help.imdb.com/article/imdb/general-information/what-is-imdb/G836CY29Z4SGNMK5?ref=helpsect_cons_L1#\(2 1399 اردیبهشت\)](https://help.imdb.com/article/imdb/general-information/what-is-imdb/G836CY29Z4SGNMK5?ref=helpsect_cons_L1#(2%201399%20اردیبهشت))
3. Imdbidia, "The (Anti)American Dream", 25 May 2011 (updated on 18 Mar 2018); at: <https://www.imdb.com/list/ls000213917/> (آخرین بازدید: 8 اردیبهشت 1399)

مطلب که در سال ۲۰۱۸ به روزرسانی شده و مجدداً منتشر گردید، شامل فهرستی از ۷۱ فیلم است که از نظر نویسنده آی‌ام‌دی بی، محتوای آن‌ها را تصویرسازی‌هایی تشکیل می‌دهند که ضد رؤیای آمریکایی هستند. اگر بخواهیم اشتراکات این آثار را در چند محور خلاصه کنیم، مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. مخالفت با این ادعا که جامعه آمریکا دارای پیوستگی اجتماعی است، از طریق نمایش دادن تبعیض‌های نژادی و بی‌عدالتی‌های اقتصادی در ایالات متحده؛

ب. زیر سؤال بردن اینکه آمریکا کشوری امن برای مهاجران و حامی حقوق بشر است؛

ج. برجسته‌سازی آن دسته از موانعی که پیش روی افرادی قرار دارند که می‌خواهند به صورت مستقل، اقدام و پیشرفت کنند.

در کنار این آثار، از فیلم‌های دیگری نیز می‌توان نام برد که اگرچه در فهرست اشاره‌شده قرار ندارند، اما با رویکردی انتقادی و افشاگرانه علیه وضعیت موجود در جامعه آمریکا تولید شده‌اند. به عنوان مثال، فیلم سیاه و آبی^۴ یا اثر معروف استنلی کوبریک با نام چشمان باز بسته^۵، مواردی هستند که تلاش داشته‌اند از فساد نهادینه‌شده‌ای در جامعه آمریکا پرده بردارند که منشأ آن، به

عملکرد رهبران سیاسی و صاحبان قدرت در آمریکا بازمی‌گردد.

مورد اخیر، از جمله استثنائاتی است که با وجود نقض آفرینی بازیگران برجسته سینمای هالیوود و کارگردانی یکی از معتبرترین افراد این حوزه، هنوز تا سه سال پس از تولید، نتوانسته است مجوز رسمی پخش از دولت فدرال دریافت کند که دلیل آن، چیزی نیست غیر از همان افشاگری‌های اشاره‌شده علیه فساد انگیزی صاحبان قدرت در این کشور. جالب‌تر اینکه کارگردان این اثر، یک هفته بعد از مونتاژ نهایی به صورت مشکوکی درگذشت و مراسم تدفین افراد مهمی نظیر استنلی کوبریک را با جزئیات پوشش می‌دهند، اجازه ورود به مراسم را پیدا نکردند.

این بحث ظرفیت بالایی برای ادامه دارد که از حوصله و اولویت این مجال خارج است، اما به نظرمی‌رسد با تمام فشارهای سنگینی که علیه «جریان ضد رؤیای آمریکایی» در این کشور اعمال می‌شود، سینما، عرصه مناسبی فراهم کرده است تا قائلان به این باور، امکان ظهور و بروز بهتری داشته باشند. اگرچه هنوز مسیر زیادی تا رسیدن به نقطه مطلوب باقی مانده که همان آگاهی بخشی اثرگذار است.

4. Black and Blue (2019)

5. Eyes Wide Shut (1999)